

پیش درآمدی بر:

## توجیحات معاصر پیرامون مسأله ربا

یداله دادگر

### چکیده

امروز مسأله ربا در بین کشورهای اسلامی از بحث‌های نسبتاً جنجالی به شمار می‌آید؛ و این موضوع نه تنها در محافل حوزوی و فقهی بلکه در مراکز دانشگاهی و حتی محافل بانکی نیز به طور جدی مطرح می‌باشد. در دهه‌های اخیر توجیحات و اجتهاداتی چند پیرامون موضوع ربا صورت گرفته، از جمله در برخی موارد درجاتی از بهره و ربا مشروع تلقی شده است؛ مثلاً کسانی که ربا را به دو نوع مصرفی و تولیدی تقسیم کرده‌اند، ربای محرم را منحصر در ربای مصرفی می‌دانند و یا برخی دیگر به کاهش ارزش پول به خاطر بروز تورم اشاره کرده و درصدی از ربا را جهت جبران خسارت ناشی از تورم، مشروع دانسته‌اند. مقاله حاضر سعی دارد ضمن ارج نهادن به هر نوع تحقیق در مسأله ربا با گشودن راههای کنکاش، زمینه‌های نگرش در موضوع فوق را به نقد بکشاند. اینک در بخش اول به نقل اقوال پرداخته و نقد و بررسی آنها را به بخش دوم مقاله واگذار می‌کنیم.

## بخش اول: نقل اقوال معاصر در مورد ربا

در اینجا ابتدا به بحث‌های کلی و مقدماتی در این باره اشاره می‌شود و به دنبال آن به اجتهادات اخیر پیرامون ربا پرداخته می‌شود.

### الف - بحث‌های مقدماتی

با وجودی که در مورد اقتصاد اسلامی بطور کلی و موضوع ربا و بهره به طور خاص مطالب نسبتاً زیادی نوشته و یا گفته شده است، در عین حال برخی از چهره‌های موضوع ربا و بهره هنوز قابل دقت و بررسی است. حداقل در موارد زیادی قضیه ربا و یا بهره حالت مبهم به خود گرفته و تحقیقات وسیع و عمیق‌تری را می‌طلبد. در اینجا به مباحثی کلی اشاره می‌شود که در ارتباط با مسأله ربا، و در ضرورت تحقیقات بیشتر در این زمینه اهمیت دارند و شاید وجود این امور، خود خاستگاه مناسبی فراهم آورده‌اند که اجتهادات جدیدی (چه صواب و چه ناصواب) مرتبط با بحث ربا صورت گیرد. بحث‌های مورد نظر به صورت زیر هستند. (ترتیب مطالب مفهوم خاصی ندارد):

۱. شکی نیست که تبیین مسأله ربا هم از لحاظ تاریخی و هم از لحاظ کیفیت مقابله اسلام با آن به ویژه در مورد سیر مراحل حکم حرمت آن بسیار با اهمیت می‌باشد و به همین جهت علاوه بر فقها<sup>۱</sup>، مفسرین<sup>۲</sup> و دیگر صاحب نظران اسلامی<sup>۳</sup> و حتی اندیشمندان اقتصادی هر یک از زاویه‌ای خاص به آن نگریسته‌اند. بنابراین ضرورت انجام تحقیقات مستقل در این زمینه همواره مشهود است.

۲. یکی از نکاتی که به ویژه پس از تحولات اقتصادی وسیع جهانی در ذهن برخی از متفکرین مسلمان نقش بست، پیوند بین «بهره» در نظام بانکی جهانی و «ربا» در قالب‌های

---

۱ - در کتب فقهی بحث‌های نسبتاً مفصلی پیرامون ربا صورت گرفته است؛ مثل «جواهر الکلام» [از مرحوم محمد حسن نجفی، مطبعة الحیدری، بی تا، به ویژه جلد ۲۵] «ملحقات عروة الوثقی» [از مرحوم محمد کاظم طباطبایی انتشارات مکتبة العلمیه، ۱۳۹۹ هـ.ق.] در میان فقهای اهل تشیع این دو منبع با تفصیل بیشتری وارد بحث ربا شده‌اند. علاوه بر اینها ابن قیم در «اعلام الموقعین» [طبع ۱۳۸۸] و سیوطی در «الاشباه و النظائر» (بی تا) به بحث بیشتری در این خصوص پرداخته‌اند. البته نوع فقها کم و بیش متعرض بحث ربا شده‌اند.

۲ - علاوه بر فقها، مفسرین نیز به بهانه تفسیر آیات مربوط به ربا، مطالبی بیان کرده‌اند. از جمله تفسیر «المیزان» از علامه طباطبایی، تفسیر «فی ظلال» از سید قطب، تفسیر «کبیر» از امام فخر رازی و تفسیر قرطبی مطالب قابل ملاحظه‌ای در این مورد ذکر کرده‌اند.

۳ - گذشته از این که مفسرین و فقها متعرض جوانب مسأله ربا شده‌اند، دیگر صاحب نظران بحث‌های مستقلی را در این باره ترتیب داده‌اند. و در این مجال می‌توان حداقل به «مصادر الحق» سنهوری، «الربا» موردی، «البنک لارویی» شهید آیت الله صدر و «ربا، بانک، بیمه» استاد مظهری اشاره نمود.

اسلامی بود.<sup>۱</sup> زیرا از طرفی شاهد بودند که بهره در نظام بانکی جهانی و معاملات پولی و مالی بین‌المللی دارای نقش بسزائی است و از سوی دیگر ظواهر آیات و روایات حرمت ربا را بیان می‌دارد، لذا ایجاد ارتباط بین این دو مفهوم و تبیین چارچوب مفهومی آنان اهمیت خاصی پیدا کرد. شاید به همین جهت است که برخی بین ربای محرم و بهره بانکی تفاوت قائل شده‌اند.

۳. در سالهای اخیر نیز مسایل ریزتری از قبیل ارتباط تورم با ارزش پول و کاهش ارزش آن، مالیت یا عدم مالیت پول‌های رایج از لحاظ شرعی، حقیقی و یا اعتباری بودن آنها مطرح شده و موجب گشته تا مسایل جدیدتری در مطالعات بهره و ربا وارد شود که باید از ناحیه مجتهدین و صاحب‌نظران مسلمان راه‌حلهای مناسب ارائه گردد.

۴. موضوع ربا علاوه بر مباحث نظری و ضرورت پرداختن به آنها از بعد علمی از لحاظ اجرایی و سیاست‌گذاری اقتصادی نیز دارای اهمیت است. به ویژه در کشورهایی که ادعا می‌شود به صورت اسلامی اداره می‌شوند.

۵. از آنجا که اعتقاد کلی بر این است که اجتهاد یکی از عناصر کلیدی در پویایی فکر اسلامی به طور کلی و دیدگاههای اقتصادی به طور خاص می‌باشد، لذا این یک امر طبیعی خواهد بود که مجتهدین و صاحب‌نظران مسلمان در این وادی وارد شده با دقت در مبانی اجتهاد و تعمق در بحث ربا و با شناخت از مسأله بانکداری، پول و بهره و موضوعات مرتبط با آن، احکام مربوطه را استخراج نمایند تا بتوانند راه‌گشای محققان و دانش‌پژوهان گردیده و توصیه‌هایی جهت سیاست‌گذاران محسوب شوند.

۶. مطالعات موجود در زمینه ربا بیشتر به این بحث پرداخته‌اند تا به نحوی مسأله بهره موجود در سیستم بانکی جهانی را توجیه کنند، نه آن که بخواهند نظام دیگری را به صورت جایگزین پیشنهاد و طراحی کنند.

۷. در هر حال عده‌ای از صاحب‌نظران احساس تکلیف و یا ضرورت کرده‌اند و به بررسی‌هایی در این زمینه پرداخته‌اند. برخی قایل به فرق گذاشتن بین ربا و بهره موجود در نظام‌های بانکی شده‌اند و لذا تمامی درجات بهره را داخل در ربای محرم ندانسته‌اند. عده‌ای تفاوت ربای مصرفی و تولیدی را طرح نمودند و ربای محرم را محدود به ربای مصرفی کرده‌اند و گروهی اخذ بهره را تا سطح حفظ ارزش پول در مقابل تورم، مشروع تلقی نمودند. و افراد دیگر توجیهات مشابهی در جواب به مشکلات بهره و ربا تدارک نمودند.

۱ - البته ربا در متون مقدس یهودی و مسیحی نیز تحریم شده و متفکرین این ادیان نیز در برخورد با ربا و ارتباط آن با بهره مطالعاتی انجام داده و اجتهاداتی کرده‌اند که در بخش دوم به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۸. تأکید آخر ما این است که اولاً بحث در این مقاله جنبهٔ مقدماتی دارد، در ثانی نقد نظریات مطرح شده در آن نشانهٔ کاستن ارزش آنها و یا بیانگر کم رنگ شدن تلاش محققان مربوطه نمی‌باشد، بلکه حساسیت ما بیشتر از این ناحیه است که چون توجیحات مذکور به نام اسلام ثبت می‌گردد لازم است دقت‌های اساسی صورت گیرد تا هم در نزد خداوند تعالی ارج و سهمی در نظر باشد و هم جوابی منطقی به سؤالات و ابهامات موجود در مورد ربا داده شود.

#### ب - توجیحات اخیر در مورد ربا

در اینجا ابتدا به یکسری توضیحات اشاره می‌کنیم، به دنبال آن به انحصار حرمت ربا به ربای عهد جاهلیت می‌پردازیم. سپس به انحصار ربا به ربای مصرفی و در پایان به توجیه ربا تا جبران تورم اشاره می‌کنیم. تذکر لازم در این مقطع از بحث این است که قضاوت‌ها و ارزیابی‌ها در بخش دوم خواهد آمد و لذا در اینجا صرفاً تبیین اقوال (بدون هر نوع داوری) ذکر خواهد شد.

#### توضیحات کلی و چارچوب مفهومی

جهت روشنی و صراحت بیشتر بحث به چند نکته اشاره می‌کنیم.

نکته اول این که همان طور که عنوان کلی بحث بیان می‌دارد، بررسی اجتهادات مربوط به ربا مورد نظر است، در نتیجه به جزئیات بحث ربا (لزوماً) وارد نخواهیم شد و صرفاً به برخی از مسائلی که ارتباط خاصی به موضوع اصلی داشته باشد، اشاره خواهد شد. در هر صورت یک فرض ضمنی این است که خواننده، اطلاعاتی کلی در مورد بحث ربا دارد.

نکته دوم این که اگر در مواردی نیاز به توضیح یک موضوع اقتصادی باشد، جهت روشن تر شدن بیشتر جایگاه بحث‌ها به آن نیز پرداخته می‌شود.

نکته سوم این که در این مقاله تأکید بر ربای قرضی است. اصولاً فقها با اعتبارات گوناگونی به تقسیم بندی‌های متفاوتی از ربا نایل شده‌اند. یک تقسیم بندی کلی ربا، تفکیک آن به ربای قرضی و ربای معاملی است. در ربای معاملی شخص (حقیقی یا حقوقی) به شخص دیگر کالایی می‌دهد و در مقابل مقدار بیشتری از همان کالا از وی می‌گیرد. مقدار اضافه شده را ربای معاملی می‌گویند.<sup>۱</sup> در ربای قرضی، روند کار به این شکل است که شخص به شخص دیگر پولی را به صورت قرض می‌دهد که پس از زمان معین آن را به همراه مبلغی اضافی برگرداند. آن مبلغ اضافی که قرض دهنده (مقرض) هنگام دادن وام شرط می‌کند از قرض گیرنده (مقترض)

۱ - جهت اطلاع بیشتر می‌توانید ر.ک: محمد کاظم طباطبایی، العمرة الوثقی، مکتبة الداوری، ج ۳، ص ۴،

بی‌تا.

علاوه بر اصل وام دریافت کند، ربای قرضی می‌گویند.<sup>۱</sup> در حال حاضر این نوع ربا به ویژه در نظام‌های بانکی جهانی (و کشورهای مسلمان نیز) مطرح است و می‌توان گفت ربای معاملی عملاً زمینه‌های بسیار محدودی دارد.

گاهی ربا را به ربای جاهلی (یا ربای نسیه) و ربای فضل تقسیم می‌کنند. ربای جاهلی (که ادعا شده در جاهلیت و در زمان قبل از اسلام بین مردم رایج بوده است) به این صورت است که شخص مقترض هنگام سررسید پرداخت اصل و بهره، توان مالی مربوطه برای بازپرداخت را نداشته و لذا به مقرض رجوع کرده، درخواست تمدید می‌نماید. مقرض نیز با شرط بالا بردن نرخ ربای مورد نظر با تمدید زمان بازپرداخت، موافقت می‌نماید. ربای فضل را نیز می‌توان از نوع ربای معاملی تلقی نمود.

البته تقسیمات دیگر نیز در برخی کتب فقهی (به ویژه در میان اهل سنت) صورت گرفته که چون مربوط به شرایط خاصی است، ثمره عملی ندارد و از آن گذشته به نحوی بازگشت به دو ربای مشهور قرضی و معاملی دارد، نیازی به اشاره به آنها نمی‌بینیم.<sup>۲</sup> نکته چهارم این که «حیله‌های ربا» در راستای استدلالات این مقاله نمی‌گنجد. فقیه بزرگوار امام خمینی رحمته‌الله علیه در رد حیله ربا بیان می‌کند:

«ذکروا للتخلص من الربا وجوهاً مذکورة فی الکتب و قد جردت النظر فی المسألة فوجدت ان التخلص من الربا غیر الجائز بوجه من الوجوه [الحیل].<sup>۳</sup>

نکته آخر این که اخیراً (به ویژه از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد و در آستانه قرن ۱۵ هجری قمری) در میان علما و صاحب نظران مسلمان که بیشتر از اهل سنت هستند، پیرامون مسأله ربا بحث‌های جدیدی مطرح شد و هدف کلی از این بحث‌ها توجیه شرعی درجاتی از ربا بود. به عبارت دیگر، آنها به دنبال اثبات این ادعا بودند که چنین نیست هر نوع بهره بانکی و یا غیر بانکی در نظام‌های فعلی اقتصادی ربا محسوب شود. مهمترین این توجیها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد.

یکی از آن توجیها به شکلی کلی بیان شده و ربای محرم را محدود و منحصر در ربای جاهلی می‌داند و می‌گوید این طور نیست که هر نوع فائده پول، ربای محرم باشد، بلکه تنها ربای خاص رایج در جاهلیت حرام است.

۱- ر.ک: ابوالحسن موسوی اصفهانی، وسیلة النجاة، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۹۷۷، ج ۱، ص ۴۴.

۲- ر.ک: ابی محمد ابن قدامه، المغنی علی مختصر المقنع، دار الکتب العربی، بیروت، ج ۴، ص ۱۲۲.

۳- روح الله الموسوی الخمینی رحمته‌الله علیه. تحریر الوسیله (مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ هـ) الجزء الاول، ص ۴۹۵.

دسته دوم از این توجیهاات، قائل به تفکیک عملی ربا به دو نوع ربای مصرفی و تولیدی هستند و ادعا می‌کنند ربای محرم از نظر اسلامی ربای مصرفی است ولی ربای تولیدی یک امر عقلایی است و نمی‌توان حرمت آن را ثابت کرد. یعنی در صورتی که افراد برای نیازهای مصرفی خود اقدام به قرض کنند، اخذ بهره از آن قرض، ربا محسوب شده و حرام است. اما در صورتی که برای تولید<sup>۱</sup> مبادرت به قرض نمایند، پرداخت چند درصد بهره به مقرض، منع شرعی ندارد در اینصورت چنین بهره‌ای تخصصاً از موضوع ربا خارج می‌باشد.

توجیه دیگر در مورد جبران کاهش ارزش پول به خاطر تورم می‌باشد. به این صورت که چون در طول زمان و به خاطر افزایش قیمت‌ها، ارزش پول کاسته می‌شود، لذا قرض‌گیرنده جهت جبران ارزش کاسته شده پول می‌تواند مبلغی به قرض دهنده بدهد و این اشکال شرعی ندارد.

قابل ذکر است که حتی برخی از مراجع اهل ایران، مسأله مذکور را به بحث مهریه زن نیز تعمیم داده‌اند؛ به این صورت که اگر زنی بخواهد پس از گذشت چند سال از زمان عقد، مهریه‌اش را بگیرد، شوهرش باید با توجه به کاهش ارزش پول نسبت به زمان عقد، رضایت وی را جلب کند و این نظر به صورت تلویحی به ما می‌فهماند که زن می‌تواند مابه‌التفاوت تورم مهریه را از شوهرش طلب کند.

اینک به تفصیل اقوال می‌پردازیم:

## ۱. انحصار حرمت ربا به ربای عصر جاهلی

همان طور که اشاره شد یکی از توجیهاات در خارج کردن درجاتی از ربا از دایره حرمت، تفاوت قابل شدن بین ربای جاهلی و ربای غیر عصر جاهلی است. مردم در عصر جاهلیت و قبل از ابلاغ حکم حرمت ربا، معاملات ربوی انجام می‌دادند، به نحوی که ربا امری رایج و عادی در زندگی آنان به شمار می‌آمد. بحسب ظاهر ربای محرم در نظر اسلام همان ربای رایج در عصر جاهلیت است.

چارچوب کلی ربای رایج در عصر جاهلیت عبارت است از این که شخصی از دیگری چیزی را به صورت قرض دریافت می‌کرد تا پس از مدتی همان مقدار قرض را به اضافه مبلغی

---

۱ - البته در کلمات صاحب نظران صرفاً تولید بکار رفته است منتها توضیحات آنها به گونه‌ای است که سرمایه‌گذاری را نیز در برمی‌گیرد. چون سرمایه‌گذاری از نظر اقتصادی صرفاً افزایش حجم سرمایه است ولی تولید اقدام عملی به کار برد نهاده‌ها برای استخراج محصولات می‌باشد. قابل ذکر است که آنچه در بحث ربا و به ویژه در قالب بانکداری حاکم اهمیت عملی بیشتری دارد، مسأله سرمایه‌گذاری و بهره مربوط به وام‌هایی است که به این جهت اخذ می‌شود.

دیگر به مقرض برگرداند. و اگر شخص مقرض در زمان سر رسید توانایی لازم برای بازپرداخت را نداشت از مقرض درخواست تمدید مهلت می‌کرد و مقرض نیز با شرط جدیدی با درخواست موافقت می‌کرد یعنی با افزایش نرخ بهره وام.

طرفداران این قول معتقدند که این همان ربا است که خداوند در قرآن بدان تصریح فرموده است: ﴿يا ايها الذين امنوا لا تأكلوا الربا اضعافاً مضاعفة واتقوا الله لعلكم تفلحون﴾<sup>۱</sup> آیه با صراحت «اضعافاً مضاعفه» را شرط اطلاق ربا می‌داند، یعنی فقط آن نوع ربا حرام است که به صورت مرکب درآمده باشد و ربا روی ربا شده باشد. صاحب تفسیر الکبیر در توضیح این ربا می‌گوید:

«كان الرجل في الجاهلية اذا كان له على انسان مائة درهم الى اجل، فاذا جاء الاجل و لم يكن المديون واجداً لذلك المال، قال زد في المال حتى ازيد في الاجل فربما جعله مائتين، ثم اذا حل الاجل الثاني فعل مثل ذلك ثم الى آجال كثيرة، فياخذ بسبب تلك المائه اضعافها فهذا هو المراد من قوله اضعافاً مضاعفة»<sup>۲</sup>

می‌توان گفت که این نوع ربا همان بهره مرکب است که در اقتصاد فعلی معروف است، و در عرف پولی و بانکی بین مقرض و مقرض امر رایجی است. به عنوان مثال اگر کشوری از کشور یا نهاد پولی دیگر جوهری را به صورت وام دریافت کند تا در زمان معین اصل آن را به همراه بهره‌اش برگرداند. کشور قرض گیرنده در صورت عدم توانایی در پرداخت اصل و فرع وام، معمولاً تقاضای تمدید می‌کند. در صورت موافقت با تقاضای مهلت از ناحیه مقرض، بدیهی است که مبلغ بدهی وی (حداقل به اندازه بهره روی بهره) افزایش خواهد یافت. البته این در صورتی است که نرخ بهره به خاطر تمدید تغییر نکند، ولی اگر نرخ بهره افزایش یابد و یا مقرض شرط دیگری بگذارد مشکل مقرض وخیم‌تر خواهد شد.

از اولین صاحب نظرانی که قایل به این نظر است، شیخ عبدالعزیز جاویش می‌باشد. وی با صراحت بیان می‌کند:

«والاضعاف المضاعفه هي الربا السائد في الجاهلية، اما الربا القليل في رايهم، فهو جائز»<sup>۳</sup> یعنی ربای محرم، همان ربای مرکب (اضعافاً مضاعفه) است ولی اگر ربا مختصر و کم باشد، اشکال شرعی ندارد. آنگاه وی استدلال می‌کند: «اذا ورد

۱- سورة آل عمران، آیه ۱۳۰.

۲- امام فخر رازی، التفسیر الکبیر، مکتبة الاعلام، ۱۴۱۳ هـ.ق، ج ۹، ص ۲.

۳- ر.ک: «حسن عبدالله الامین» الودائع المصرفیه فی شریعة الاسلامیه والموقف القانون الوضعی منها،

کلیة الشریعة والقانون، جامعة الازهر، ۱۹۷۷.

فی نص الحکم شیء مطلق و ورد فی نص آخر هذا الحکم نفسه علی هذا الشیء مقیداً یراد بالمطلق المقید... و تحریم الربا لم یؤخذ من القرآن بل اخذ من القاعده الاصولیة التي تعطی القلیل حکم الكثير سداً للذریعه<sup>۱</sup>. یعنی خداوند در قرآن با صراحت ربای مرکب زمان جاهلی را حرام دانسته است ولی تحریم ربا به طور کلی و به صورت مطلق از سوی علماء با استفاده و استنباط قواعد اصولی می باشد، آن هم صرفاً به جهت پیشگیری و عدم ورود به وادی ربا؛ پس حرمت شرعی ندارد.

این قول مشابه همان قولی است که در مسیحیت برای حلّیت درجاتی از ربا ذکر می شود که در بخش دوم مقاله به آن اشاره خواهد شد.

صاحب نظر مذکور همین معنا را در فرازی دیگر و با صراحت بیشتری ابراز می کند:  
 «...ان الربا الذی حرّمه القرآن انما هو الربا النسیئہ المضاعف و الربا الذی لیس فیہ مضاعفه کان یجعل القرض بفائدة قلیله لم یؤخذ تحریمه من الکتاب الکریم»<sup>۲</sup>

حال بر حسب اطلاق عبارات می توان هر نوع ربائی را به جز ربای جاهلی (بهره زیاد) توجیه شرعی نمود.

از دیگر صاحب نظران که توجیهی مشابه استاد جاویش دارد محمد رشید رضا، از شاگردان امام محمد عبده و مقرر درسهای وی، می باشد. او با صراحت ربا را محدود و منحصر در وضعیتی می داند که از ناحیه مقرض به خاطر تأخیر در بازپرداخت قرض بر مقرض، تحمیل می گردد. وی ابتدا در مورد شیوع ربا در میان مسلمین، حتی پس از حکم حرمت آن، مطالبی را ذکر می کند و به اهمیت روشن شدن ربای محرم در اسلام تأکید می ورزد؛ و درک ربای واقعی را از عناصر مهم تلقی می کند. از همین تردید ایشان در ربای واقعی و غیر واقعی می توان تفکیک ربا (به مشروع و غیر مشروع) را درک نمود. سپس در این رابطه می گوید:

«و قد فشا بین المسلمین اکل الربا مع ذلك الوعید الذی نطق به القرآن و اکثرهم یقتصرون ان لفظ الربا فیہ یتناول جمیع ما قال فقهاء مذاهبهم انه منه حتی بیع الحلی من الذهب بجنیهات یزید و زنها علی وزنه لمکان الصنعة فی الحل. و انا نعلم انه لا یکاد یوجد فی عشرات الالوف من المسلمین رجل واحد یتحامي کل ما عده الفقهاء من الربا و لعله یندر فی الفقهاء انفسهم من ینطبق شراء الحلی للنساء

۱- همان منبع.

۲- ر.ک: سامی حسن، احمد محمود، تصویر الاعمال المصرفیه دار التراث، قاهره، ۱۹۷۶.



علی قواعد الفقه کان یشتري ما کان الذهب بالفضه و ما کان من الفضه بذهب یداً بید فیهما او یتخذ لذلك حيلة فقهیه»<sup>۱</sup>  
 او تلویحاً بیان می‌کند که ربا در شرایطی یک مسئله مورد ابتلا بوده که گاهی برای فرار از آن متوسل به حیل می‌شدند. و پس از بیان این مقدمه به صراحت ربای محرم را محدود به ربای جاهلی می‌داند:

«...فالمراد بالربا فیها[ای فی الایات القرآنیه] ما کان معروفاً فی الجاهلیة من ربا النسیئة ای ما یؤخذ من المال لاجل الانساء ای التأخیر فی اجل الدین. فکان یکون لرجل علی آخر دین مؤجل یختلف سببه بین ان یکون ثمن شیء اشتراه منه او قرضاً اقترضه فاذا جاء الاجل و لم یکن للمدین مال یعنی به طلب من صاحب المال ان ینسیء له فی الاجل و یزید فی المال و کان یتکرر ذلک حتی یکون اضعافاً مضاعفه فهذا ما ورد القرآن بتحريمه لم یحرم فیہ سواه و قد وصفه فی آیه آل عمران التي جاءت دون غيرها بصیفة النهی و هی قوله عزوجل یا ایها الذین امنوا لا تأکلوا الربا اضعافاً مضاعفه. و هذه اول آیه نزلت فی تحريم الربا فهو تحريم لربا مخصوص بهذا القید و هو المشهور عندهم»<sup>۲</sup>

چند نکته در کلام ایشان قابل دقت است: ۱- آیه ذکر شده در متن اولین آیه است که در حرمت ربا نازل شده. ۲- آیه مذکور مخصوص ربای مشهور در بین جاهلیت است و شامل دیگر موارد ربا نمی‌شود.

سپس محمد رشید رضا برای استحکام نظر خود به کلام ابن قیم استناد می‌کند:

«قال ابن قیم الربا نوعان جلی و خفی فالجلی حرم لما فیہ من الضرر العظیم و الخفی حرم لانه ذریعة الی الجلی. فتحریم الاول قصداً و الشانی وسیلة. فاما الجلی فربا النسیئة و هو الذی كانوا یفعلونه فی الجاهلیة».

ایشان پس از ذکر قول ابن قیم به تأکید در حرمت این نوع ربا پرداخته و آن را موجب فلاکت جامعه و سبب بروز مشکلات دیگر دانسته و حرمت آن را از ناحیه خداوند توأم با احسان و حکمت تلقی می‌کند.

قبل از اتمام بحث محمد رشید رضا، لازم است یک توضیح کلی در مورد اختلاف نظر

۱ - محمد رشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر به تفسیر المنار دار المعرفه، بیروت، ج ۳، ص ۱۱۳، (بی تا).  
 ۲ - همان منبع، ص ۱۱۴.

۳ - توجه داشته باشید که اولین آیه نازل شده در مسأله ربا طبق نظر مفسرین و قرآن شناسان آیه ۳۹ از سوره روم می‌باشد. لذا بعید است که منظور رشید رضا این باشد که اولین آیه در مورد ربا همان است که در سوره آل عمران آمده است بلکه منظور این است که اولین آیه در تحریم ربا آن می‌باشد.

بین فقهای اهل سنت در مورد محدوده حرمت ربا اشاره شود. اشاره به این مسأله به نحوی توجیهی برای نظراتی همانند رشید رضا، جاویش و امثال ایشان فراهم می‌کند.

در فقه اهل سنت سه زمینه وجود دارد؛ یک نظر ابن رشد و ابن قیم می‌باشد که ربا را به ربای روشن و صریح (جلی) و ربای غیر روشن و مبهم و ضعیف (خفی) تقسیم می‌کنند. بنابراین ربای محرم از نظر قرآن، همان ربای جاهلی است و دیگر اقسام ربا از این جهت تحریم می‌گردد که وسیله و مقدمه‌ای برای ربای محرم می‌شود.<sup>۱</sup> دومین زمینه برای توجیه تفکیک موارد ربا تفاوت در استنباط از قرآن و روایات است. به این صورت که عده زیادی ربای مذکور در قرآن را ربای صریح (و جلی) دانسته‌اند که همان ربای جاهلیت است. و ربای مورد نظر روایات را ربای ضعیف (خفی) که صرفاً برای عدم دخول به ربای جاهلیت مورد نهی قرار گرفته‌اند. بدیهی است چون در قرآن ربای نوع جاهلیت نهی شده است ولی در روایات بیشتر دیگر انواع ربا ذکر شده اساس، رأی عده‌ای این شده که ربای حرام واقعی همان ربای جاهلیت است و رباهای دیگر (که در روایات ذکر شده) صرفاً برای عدم دخول به ربای جاهلیت است که مورد نهی واقع شده ولی خودشان ذاتاً ربا محسوب نمی‌شوند. سومین زمینه در این رابطه روایتی است که ابن عباس از پیامبر ﷺ نقل کرده و تصریح به انحصار حرمت در ربای عهد جاهلیت دارد که در بخش دوم به بررسی آن خواهیم پرداخت.

رشید رضا برای استحکام نظر خود از روایت ابن عباس بعنوان دلیل استفاده می‌کند. آنگاه وی از امام احمد حنبل نیز جمله‌ای آورد که به طور ضمنی قدر متیقن ربا را همان ربای جاهلی می‌داند.

وی در پایان نتیجه می‌گیرد که:

«فهذا الربا بالذی سماه العلامه ابن قیم الجلی و قال الامام احمد انه الربا الذی لا یشک فیه المحرم بنص القرآن وحده، هو ربا النسیئه الذی کانو یضاعفونه علی الفقیر الذی لا یجد وفاء بتوالی الایام و السنین، هو مخرب البیوت و مزیل الرحمة من القلوب...»

پس از این نتیجه‌گیری به توجیه معامله دستبند طلا با سکه‌های طلا (لیره) با وزن بیشتر می‌پردازد و آن را مشروع می‌داند زیرا در آن شرایط ربای عهد جاهلیت وجود ندارد<sup>۲</sup> زیرا نسبت به آن «کار» انجام شده تا تبدیل به سکه شده است.

علاوه بر استاد جاویش و استاد محمد رشید رضا، صاحب نظران دیگری نیز قایل به

۱ - در بخش دوم مقاله اشاره خواهیم کرد که خود ابن قیم و ابن رشد (بر فرض صحت تفکیک آنها) تأکید بر حرمت سایر موارد ربا نیز دارند، منتهی بقیه رباها را از باب سد ذرایع حرام می‌دانند؛ نه بعنوان حرام ذاتی.

۲ - محمد رشید رضا، تفسیر القرآن، منبع ذکر شده، ص ۱۱۶.

مشروع بودن درجاتی از ربا هستند. یکی از اینها محقق و صاحب نظر فقهی و حقوقی دکتر سنهوری است. او بهره پائین پول را مشروع دانسته و آن را خارج از دائره ربا می‌داند و در مورد علت محدود ساختن نرخ سود در قوانین مصری می‌گوید:

«...ان السبب فی ذلک کراهیته تقلیدیة للربا، لا فی مصر فحسب و لا فی البلاد الاسلامیه وحدها، بل فی اکثر قوانین العالم، فالربا مکروه فی کل البلاد و فی جمیع العصور و من ثم لجأ واضعوا القانون الی تحدید للتخفیف من زوایاه و هذا هو المبرر القوی الذی حمل القانون فی هذه الحاله علی التدخل و تحدید التعویض تعویضاً قانونیاً فی نصوص تشریعیه، ثم ان التقود یمکن عادة استغلالها بسعر لیس فیه کثیر من التفاوت و من ثم تیسر لواقع القانون ای یقرر سعر الفائده القانونیه و حذاً اقصى للفائده الاتفاقیه»<sup>۱</sup>

همانطور که ملاحظه می‌شود دکتر سنهوری، مشکلات و اعتبارات عملی را برای توجیه بهره پائین پول ملاک قرار داده تا بتواند آن را از دائره ربا خارج سازد. به عبارت دیگر توجیه او این است، برای اینکه به ربای بسیار بالا دچار نشویم مناسب است یک (ربای مختصر) را وارد قانون کنیم. البته وی توجیه شرعی برای نظر خویش ابراز کرده و می‌نویسد:

«فائده البسیطه علی القروض محرمة تحریم وسائل و لا تحریم مقاصد، به معنی انها حرمت سداً للذریعه الی الربا الفاحش المحرم لذاته و ان المقر فی الفقه الاسلامی ان ما حرم سداً للذریعه ادنی فی تحریم من المحرم لذاته فیباح للحاجه»<sup>۲</sup>

لذا گرفتن بهره پایین برای پول از نظر ایشان ربا محسوب نمی‌شود. به نظر می‌رسد که دکتر سنهوری دارای این پیش فرض ضمنی بوده که اصولاً در اسلام ربای کم و ربای زیاد وجود دارد و ربای کم اشکال شرعی ندارد. و ما در بخش دوم مقاله به بررسی استدلال وی خواهیم پرداخت.

## ۲. انحصار ربا در ربای مصرفی

از دیگر توجیهاتی که در باب مشروع دانستن درجاتی از ربا صورت گرفته، تفاوتی است که عده‌ای بین ربای مصرفی و ربای تولیدی و سرمایه‌گذاری قایل شده‌اند. استدلالی که در این

۱ - رک: الوسیط فی شرح القانون المدنی. عبد الرزاق احمد سنهوری دارالنهضة. القاهرة، جلد اول بویژه صفحات ۸۸۲ به بعد (جاب مصر، بی‌تا).

۲ - رک: مصادر الحق فی الفقه الاسلامی، دکتر عبدالرزاق احمد سنهوری، مجلد سوم به ویژه ص ۲۳۷ به

رابطه می‌شود نوعاً به این صورت است که علت حرمت ربا «ظلم» می‌باشد یعنی در ربای مصرفی ظلم وجود دارد. چون مصرف‌کننده‌هایی بر حسب احتیاج روزمره خود مبادرت به قرض می‌کنند لذا اخذ بهره از آنها بی‌عدالتی است. اما افرادی که برای تولید اقدام به اخذ وام می‌نمایند، در صورت اخذ بهره ظلمی متوجه آنها نشده لذا اخذ بهره از وام‌های تولیدی اشکال شرعی ندارد. جالب‌تر آن است که برخی از صاحب‌نظران توجیه دیگری برای مشروع بودن ربای تولیدی (یا سرمایه‌گذاری) قایل هستند؛ آنها می‌گویند اصولاً در زمان جاهلیت آنچه به عنوان ربا موجود بوده، در خصوص قرض‌های مصرفی بوده است. یکی از چهره‌های شناخته شده این دیدگاه استاد دوالیبی است که در یک کنفرانس اسلامی ادعا کرد:

«ان هذا النوع من القروض هو ما يعرف بربا الجاهلية و ان العرب قبل الاسلام ما كانوا يعرفون القروض الاستثمارية التي يقترضها الموسرون...».

البته بسیاری از علما یکی از ادله حرمت ربا را ظالمانه بودن آن تلقی می‌کنند. در این مورد آیه شریفه ﴿و ان تبتم فلکم رؤس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون﴾<sup>۱</sup> را مورد استشهاد قرار می‌دهند.

در مورد غیر ظالمانه بودن ربای تولیدی و سرمایه‌ای یکی از صاحب‌نظران می‌گوید:

«...ان الربا المحرم هو الربا علی القروض الاستهلاكية لما فيه من استغلال لحاجة الفقير اما فائدة علی القروض الاستثمارية فهي غير محرمة حيث انها لا تتضمن ظلماً للمقترض لانه يحقق عائداً من استثمار المال المقترض».<sup>۲</sup>

به عبارت دیگر، نه تنها این نوع اخذ بهره ظلم محسوب نمی‌شود حتی می‌تواند برای قرض‌گیرنده منبع درآمدی نیز محسوب گردد. و حتی تصریح می‌کند که بهره اخذ شده در واقع سهم سرمایه از مقدار سود حاصل شده می‌باشد.<sup>۳</sup>

استاد مطهری نیز به این دو نوع قرض (مصرفی و تولیدی) اشاره می‌کند و برای هر یک مؤیداتی ذکر می‌کند. وی تحت عنوان قرض مصرفی و قرض تولیدی می‌گوید:

«باید توجه داشت که گاهی قرض‌گیرنده برای مصارف زندگی خویش محتاج به قرض است. در این قسم است که قرض ربوی کمر مدیون را می‌شکند و قرض الحسنه مصداق تراحم و اصطناع معروف است. گاهی مقترض احتیاجی به قرض ندارد، جز اینکه برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی قرض می‌گیرد. ما قسم اول را قرض مصرفی و قسم دوم را قرض تولیدی می‌نامیم. اکنون ببینیم حرمت

۱- سوره بقره، آیه ۲۷۹.

۲- ر.ک: مصطفی الزرقا المشكلات العصرية فی میزان الشريعة الاسلاميه، مجلة البعث، ج ۱۳، ۱۳۸۸.

۳- همان منبع.

ربا اختصاص به قرض‌های مصرفی دارد و یا شامل قرض‌های تولیدی هم می‌شود؟ آنچه که احتمال اول را تأیید می‌کند (یعنی اختصاص حرمت به قرض مصرفی را) چند چیز است: اول اینکه در قرآن ربا در مقابل صدقه قرار داده شده است. ﴿يُمَحِّقُ اللَّهُ الْرِبَا وَيُدْهِمُ الصَّدَقَاتِ﴾<sup>۱</sup> همچنین در روایات مسأله تعطف و تراحم و اصطناع معروف به عنوان علت تحریم ربا مطرح است.<sup>۲</sup> و واضح است که این علت اختصاص به قرض مصرفی دارد.

دوم اینکه اگر ملاک حرمت ربا اصل اقتصادی عقیم بودن پول بود لازم بود که ربا در غیر پول جایز باشد، و حال آنکه تحریم ربا در اسلام شامل پول و غیر پول می‌شود. این خود دلیل است که ملاک تحریم همان حفظ اصل اصطناع معروف است.<sup>۳</sup>

قابل ذکر است که ایشان در بررسی نهایی جنبه تعمیم ربا (به تولید و مصرف) را تقویت نموده که در بخش‌های بعدی مقاله بدان اشاره خواهد شد.

### ۳. توجیه ربا تا حد جبران تورم

یکی از بحث‌های خیلی جدی و در عین حال جنجالی پیرامون ربا مشروع دانستن درجاتی از ربا به خاطر جبران تورم است. قبل از شروع اقوال مختلف در این زمینه، دو نکته اقتصادی و فقهی را مورد اشاره قرار می‌دهیم. نکته اقتصادی در مورد ارتباط تورم و ارزش پول (و یا قدرت خرید درآمدهای پولی مردم) است. اصولاً فرض بر این است که در طول زمان قیمت‌ها به طور متوسط در حال افزایش هستند. در نتیجه ارزش پول رو به کاهش خواهد بود. در قالب علم اقتصاد معمولاً ثبات پول و ارزش آن و در نتیجه قسمت اعظم قدرت خرید مردم، رابطه معکوس با نرخ تورم در چارچوب شاخص قیمت‌ها دارد. به این صورت که اگر گفته شود که سطح عمومی قیمت‌ها در سال جاری نسبت به سال قبل چهار برابر شده است، به این معنا خواهد بود که درآمد حقیقی و قدرت خرید درآمدهای پولی مردم حدود  $\frac{1}{4}$  خواهد شد. مثلاً اگر در حال حاضر یک خانواده ۴۰۰۰۰ تومان حقوق می‌گیرد این مبلغ با توجه با قیمت‌های جاری نوعی درآمد اسمی (درآمد پولی) است. اگر بخواهیم قدرت خرید مبلغ مذکور را محاسبه کنیم،

۱- سوره بقره، آیه ۲۷۶.

۲- روایت وارده در این قسمت (که مورد استناد استاد مطهری نیز هست) چنین است: عن هشام بن سالم عن ابي عبدالله عليه السلام انما حرم الله عز و جل الربا لئلا تمتعوا عن اصطناع المعروف. ر.ک: شیخ صدوق، غلل الشرایع (النجف، المطبعة الحیدریه، ۱۹۶۶) ص ۴۸۲.

۳- ر.ک: مرتضی مطهری، ربا، بانک، بیمه، انتشارات صدرا، ۱۳۶۴، صص ۱۶۱ - ۱۶۰.

باید آن را بر شاخص قیمت‌ها تقسیم کنیم. چون روند شاخص‌ها ۴ برابر شدن قیمت‌ها را نشان می‌دهند، لذا حقوق واقعی (یا قدرت خرید) آن خانواده مبلغ ۱۰۰۰۰ تومان خواهد شد ( $10000 = \frac{40000}{4}$ ). یعنی مبلغ ۴۰ هزار تومان در شرایط تورمی ارزش و قدرت خرید ۱۰ هزار تومان در یک سال پایه (سال نسبتاً سالم اقتصادی که تورم ندارد) خواهد داشت. شاید این نکته اقتصادی یکی از زمینه‌ها و یا از عواملی باشد که عده‌ای از صاحب نظران (چه از علما به طور کل و چه از میان علاقه‌مندان به اقتصاد اسلامی به طور خاص) در ارتباط با تورم و ربا به ارائه نظر پرداخته‌اند. به این معنا که اگر شخصی مبلغ ۱۰۰ هزار تومان به دیگری به صورت قرض‌الحسنه پرداخت کند قاعدتاً نباید هیچ نوع بهره‌ای بدان تعلق گیرد. حال اگر پس از چند سال مقترض بخواهد پول را بازگرداند، و قیمت‌ها حداقل دو برابر شده باشند، بدیهی است که قدرت خرید مبلغ صد هزار تومان، به نصف تقلیل می‌یابد. حال یکی از زمینه‌های بحث مذکور و ارتباط آن با ربا در این است که آیا در صورتی که مقرر همان مبلغ ۱۰۰ هزار تومان اسمی را دریافت کند اصل پول خود را دریافت نموده است؟ برخی ادعا کرده‌اند که اگر میزان کاهش ارزش پول قرض گرفته شده توسط مقترض جبران گردد فقط اصل پول را پرداخت کرده است و در واقع مقرر چیزی اضافه دریافت نموده است. لذا بر مبنای این ادعا می‌توان گفت که مبلغ جبران تورم، ربا محسوب نمی‌شود.

به عبارت دیگر قدرت خرید پول قرض داده شده ملاک قرار می‌گیرد. و حتی ممکن است بعضی بگویند اصولاً در صورت عدم جبران پول قرض داده شده، به قرض دهنده ظلم شده است. در هر حال این قبیل مسائل در ذهن محققین ایجاد شده و منجر به یک سلسله توجیهات و احیاناً اجتهاداتی در مورد آنها گردیده است.

اما آن نکته فقهی که لازم است اشاره شود اختلاف نظری است که در مورد ماهیت پول از جهت مثلی بودن و یا قیمی بودن بین فقها مطرح است که در بحث ضمان دارای ثمره مهمی است.<sup>۱</sup> زیرا بعضی از مدعیان جبران تورمی بر این عقیده‌اند که پول قرض داده شده‌ای که ارزش آن (به خاطر تورم) کاسته شده به نحوی در مقوله ضمان قرار می‌گیرد. یعنی شاید بتوان گفت که مقترض ضامن پول تلف شده (کاهش تورمی) از مقرر می‌باشد. اما مقدار ضمانت به طور کلی بستگی به جنس کالای تلف شده دارد. نظر فقها این است اگر «مثل» کالای تلف شده در بازار وجود دارد، باید آن مثل را به صاحب مال برگرداند.<sup>۲</sup> و در صورتی که پیدا کردن مثل کالای تلف

۱- ر.ک: محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام (مطبعة الاداب، نجف الاشرف، ۱۹۶۹)

ج ۲، صص ۱۱۴ - ۱۰۷.

۲- ر.ک: شیخ مرتضی انصاری، المکاسب، مطبعة الاداب، نجف اشرف، ۱۳۹۶، مجلد ۷، ص ۱۹۸.

شده دشوار باشد می‌توان قیمت آن را به صاحب مال پرداخت نمود.<sup>۱</sup>

حال توجیه کسانی که کاهش ارزش پول را در قالب ضمان بررسی می‌کنند<sup>۲</sup> روشن می‌شود. و آنان پول را از مقوله قیمی می‌دانند و چون ارزش پول (یا قیمت به ازای آن نسبت به کالاها، به خاطر تورم تغییر می‌کند، پرداخت مبلغی اضافی به عنوان جبران تورم (بر مبنای ضمان) توجیه شرعی پیدا می‌کنند؛ در حالی که اگر پول از مقوله مثلی بود نیازی به جبران تورم نداشت، زیرا می‌توان مثل آن را تحویل داد.

قابل ذکر است که برخی روحانیون حوزه‌های علمیه ایران با صراحت مبلغ جبران تورمی را به طور کامل مشروع می‌دانند؛<sup>۳</sup> اگر چه برخی از مراجع حداکثر به صورت «نوعی مصالحه» در توجیه مسأله یعنی به خاطر کاهش ارزش پول باید قرض دهنده و قرض گیرنده در مورد تلف شده به شکلی با هم مصالحه نمایند. لذا این قول لزوماً در برگیرنده جبران تورمی (به مقدار کامل) نمی‌باشد.

یکی از صاحب نظران اهل سنت؛ با استناد به نظر امام ابویوسف در توجیه بهره و یا فائده پول می‌گوید:

«ان الامام ابا يوسف من الحنفية يرى رد القرض بقیمته يوم قبضه في حالة الرخص او الغلاء وان الفوائد تعتبر تعويضاً عن نقص قيمة النقود نتيجة التضخم و ارتفاع الاسعار».<sup>۴</sup>

بنابراین حداقل توجیه برای مشروع دانستن اخذ بهره (یا فائده) از پول قرض گرفته شده تورم و افزایش قیمت‌ها می‌باشد. یکی دیگر از صاحب نظران اقتصاد اسلامی، دکتر محمد شوقی الفنجری می‌باشد که نسبت به توجیه بهره و فائده پول قرض گرفته شده تأکید بسیاری داشته و می‌گوید: اینطور نیست که هر نوع فایده پول ربا محسوب شود. ایشان در این زمینه گفته‌ها و نوشته‌های بیشتری داشته و در هر مورد توجیهاتی ارائه کرده است و یکی از آن توجیهات وی عبارت است از:

«و قد تكون هذه الفائدة المواجهة النقص الذي يلحق باصل الدين به سبب تضخم و ارتفاع الاسعار و انخفاض قيمة النقد».

۱ - رک: شهید اول، لمعه دمشقیه (مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۶ هـ) ص ۲۳۵.

۲ - قابل ذکر است که عده‌ای از روحانیون و برخی از مراجع اهل تشیع به این روش قابل‌اند. ولی علمای اهل سنت توجیهات دیگری دارند.

۳ - گفته‌های اخیر توسط بعضی از روحانیون و در قالب سمینارهایی در این رابطه ادعا شده است. می‌توانید به روزنامه همشهری ۷۵/۵/۲۳ که برخی از این دیدگاهها را منعکس نموده مراجعه کنید.

۴ - برای بحث کافی در این رابطه رجوع شود به: الامین، حسن عبدالله، الودائع المصرفیه من الشریعة الاسلامیه کلیة الشریعة والقانون (جامعة الأزهر ۱۹۷۷) صص ۳۶ - ۱۷.

وی پس از این بیان (توجیه فائده پول به خاطر تورم) تصریح می‌کند که این نوع افزایش در پول قرض داده شده به هیچ وجه ربا محسوب نمی‌شود.

علاوه بر این نقطه نظرها، توجیهاات مشابهی در ارتباط با مشروع دانستن درجاتی از نرخ بهره پول از ناحیه دیگر صاحب نظران نیز موجود است و چون از نظر تجزیه و تحلیل در مجموعه مباحث فوق الذکر می‌گنجد و به نحوی بازگشت آنها به یکی از موارد ذکر شده خواهد بود، از ذکر آنان صرف نظر می‌کنیم. در خاتمه این بخش می‌توان نتیجه گرفت که:

اولاً فقط از یک مقطع خاص تاریخی، توسط عده‌ای از متفکرین و علاقه‌مندان به اقتصاد اسلامی، جهت موجه دانستن مواردی از سود پول قرض، ادعاهایی صورت گرفته است. بحث حاضر نسبتاً جدید بوده و از قدا (چه از علمای اهل سنت و چه از اهل تشیع) کسی، حداقل با این شیوه، متعرض موضوع نشده است و ثانیاً صاحب نظران اهل سنت حجم بسیار وسیعی از مباحث مذکور را به خود اختصاص داده‌اند ولی صاحب نظران اهل تشیع بسیار محدود و محتاطانه وارد این توجیهاات شده‌اند؛ هر چند که موضوع حتی در میان اهل سنت نیز بسیار اختلافی است. ان شاء الله در بخش دوم به نقد آراء مذکور می‌پردازیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی